

یک مقام هندی:

پاکستان سفارت و قنصلگری های
ما را هدف گرفته است

یک مقام ارشد امنیتی هند گفته است که پاکستان در همکاری با لشکر طیبه تلاش می کند تا به منافع این کشور در افغانستان صدمه برساند.

به گفته این مقام، پس از آن که پاکستان در کشمیر موفق به حمله بر دفاتر این کشور نشد؛ اکنون با همکاری لشکر طیبه، سفارت و قنصلگری های هند را در افغانستان نشانه گرفته است.

بر بنیاد گزارش ها، این مقام امنیتی هند که نامی از وی برده نشده به رسانه های هندی گفت: «نهادهای امنیتی پاکستان برای این که مطمئن شوند هند...»

ادامه صفحه ۶

تحلیلگران در پیوند به اظهارات اشرف غنی:

طالبان باید از قربانیان و حتا از درختان شمالی
معذرت بخواهند

– چگونه می شود از کسانی که با خون ملت بازی کردند و به تاریخ بشر خیانت کردند؛ معذرت بخواهیم؟ به خدا کفر است اگر کسی بگوید که ما باید از گروه طالبان معذرت خواهی کنیم؛ طالبان هیچ گونه ترحمی به مردم و داشته های مادی و معنوی افغانستان نکرده اند.

– رییس جمهور غنی ادامه راه حامد کرزی را طی می کند و من یقین دارم که به زودی عطش غنی فروکش می کند و به جایی خواهد رسید که حامد کرزی در روزهای اخیر به آن رسیده بود

صحنه ۹



جاوید کوهستانی:

فرمانده پولیس کابل بر کنار و به دادستانی معرفی شود

یادداشت: چگونه عملکرد پولیس، در روز قتل فرخنده، از مباحث قابل توجه در روزهای پسین بوده است. مردم و تحلیلگران، پولیس کابل را متهم به بی کفایتی و سهل انگاری در جلوگیری از این رخداد که «لکه ننگ تاریخی» عنوان شده، دانسته اند.

این موضوع را با جاوید کوهستانی آگاه نظامی در میان گذاشتیم. آقای کوهستانی در گفت و گوی کوتاه با ماندگار می گوید که تاخیر در اقدام پولیس توجیهی ندارد. او گفت که در کنار اوباشی هایی که فرخنده را به شهادت رسانیدند، علمای بی خبری که قبل از آگاهی فتوا دادند و فرمانده کابل که در این زمینه غفلت کرده، قابل مجازات هستند و باید به دادستانی معرفی شوند

ارتباطات مردمی و تشنه بودن به قدرت، سبب شده تا فرمانده کابل حتا به خودش زخم نهد که به خاطر کوتاهی در وظیفه از مردم عذرخواهی کند. او همچنان تاکید کرد: قوماندانی امنیه، امر جنایی و تمام مسوولان قوماندانی امنیه کابل، به دلیل اقدام نکردن به موقع، در این قضیه مسوول و شریک اند و

جاوید کوهستانی به روزنامه ماندگار گفت که فرمانده پولیس کابل بیشتر از افراد اوباش و لومین که در قتل فرخنده دست داشتند، مقصر بوده و باید به دادستانی معرفی شود.

کوهستانی با انتقاد از فرمانده پولیس کابل گفت: عدم مسوولیت پذیری، نبود وجدان بیدار و آگاه، عدم

وزیر حج و اوقاف:

تعویذ نویسان جمع آوری می شوند

عنوان نقطه عطف یاد کرد و گفت که فرخنده با مرگ اش، تاریخ را رقم زد و او از این حادثه تلخ درس های زیادی را آموخته است. به گفته وی، وزارت حج برای پیگیری حادثه فرخنده کمیسیونی را نیز موظف کرده است.

آقای عثمانی افزود: در پی قتل فرخنده وزارت حج تصمیم گرفته است که تعویذ نویسان را از سطح شهر کابل به ویژه مناطق، شاه دوشمشیره، زیارت ابولفضل و زیارت سخی جمع آوری کرده و این روند را در سطح شهر کابل و ولایات گسترش خواهد داد.

او خاطر نشان کرد که در مساجد و زیارتگاه ها، عالمان واقعی را موظف می کند. وزیر حج با ذکر این مطلب که به کسانی که مردم را برای سودجویی خود به قتل فرخنده شوراندند عالم دین گفته نمی شوند؛ بیان داشت: «هم اکنون اجماع در مورد جمع آوری سودجویان به وجود آمده؛ تا خانواده ها را از چنگ آنان نجات دهیم».

از سوی دیگر، نمایندگان مجلس بر وظیفه...

ادامه صفحه ۶

فرخنده تاریخ را رقم زد



وزیر حج و اوقاف در پیوند به اقدامات در مورد بررسی های قتل فرخنده در کابل به مجلس نمایندگان فراخوانده شد.

فیض محمد عثمانی وزیر ارشاد، حج و اوقاف حادثه شاه دوشمشیره کابل را به

در برگ ها

حاشیه یی
بر عملیات
نوالفقار
در هلمندمراحل
زنده گی
از نظر
کی پرکاررویکردی
کلامی
به مسأله
شر
در هستیتیم افغانستان
در تهران میزبان
می شود!
۶۰ هزار تن به
تشویق تیم ملی
به ورزشگاه
آزادی می روند

محمد یحیی مسعود

سخن ماندگار

کمیسیون اصلاح نهادهای انتخاباتی اصلاح شود

اصلاح نهادهای انتخاباتی، از مهم‌ترین بایدهاست و مردم انتظار دارند تا به گونه‌ی جدی مورد توجه دولت مردان قرار گیرد.

اواضح است که تا اصلاح نشدن بنیادی نهادهای انتخاباتی، انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها و پارلمانی کشور برگزار نخواهد شد.

برگزاری کمیسیون اصلاح نهادهای انتخاباتی، از اولویت‌هایی بود که باید دولت وحدت ملی در پنج‌ماه قبل به آن می‌پرداخت که نپرداخت.

البته ایجاد کمیسیون اصلاح انتخاباتی، گامی مهمی است که برداشته شده است؛ اما اگر افرادی که لایق و شایسته باشند در این کمیسیون گماشته نشوند، این کمیسیون به سان کمیسیون‌های انتخاباتی بی‌اعتبار خواهد شد.

مسئولیت کمیسیون اصلاح نهادهای انتخاباتی این است که کمیسیون‌های انتخاباتی را از بنیاد عوض کند و اصلاح سازد تا بتواند اعتبار و اعتماد از دست رفته را اعاده کند.

مفهوم «کمیسیون اصلاحات انتخاباتی» باید اصلاحات نهادهای انتخاباتی را برتابد نه تنها بحث «اصلاح انتخاباتی» را که شامل قوانین می‌شود و بس.

اما اگر این کمیسیون، غیر این کاری انجام دهد، در کنار جریان تقلب قرار می‌گیرد. فراموش نباید کرد که اصلاحات نهادهای انتخاباتی، به عنوان یکی از طرح‌های محوری حکومت وحدت ملی است و در گذشته بر آن تأکیدهای بیشتری شده است. اگر در شرایط کنونی، کمیسیون اصلاح انتخاباتی خود قابل اعتماد برای مردم نباشد، نمی‌تواند کاری از پیش برد.

ریاست کمیسیون اصلاح انتخاباتی، باید به دست کسی باشد که حد اقل سندی از مشارکت او در تقلب وجود نداشته باشد و از طرف‌داران پروپاقرص به خصوص در تیم متهم به تقلب نباشد؛ زیرا این طرفداری او می‌تواند در جریان کار تأثیر گذاشته و کار را از مسیر اصلی اش منحرف کند.

مردم افغانستان انتظار دارند که دولت وحدت ملی باید کسی را در رأس کمیسیون نهادهای انتخاباتی تعیین کند که برای همه مردم افغانستان قابل قبول باشد و مشهور به قوم‌گرایی شدید و تلاش برای پنهان کاری تقلب نداشته باشد.

مردم انتظار دارند که بعد از ایجاد اصلاحات، دیگر تجربه‌های تلخ بحران‌های انتخاباتی را تکرار نکنند و باید انتخابات به اساس اصل یک شهروند یک رأی برگزار شود.

بنابراین، ریسان دولت وحدت ملی باید به گونه‌ی جدی روی ایجاد یک کمیسیون درست و حسابی کار کنند و اگر این کمیسیون طبق آرزوهای مردم ساخته شد و افراد پاک و بی‌غرض در آن حضور داشتند؛ افرادی که معامله‌گر و پنهان‌کار نباشند، می‌توان امیدوار بود که به ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی گام‌هایی برداشته شده است.

آقای غنی باید اجازه دهد که کمیسیون‌های انتخاباتی به گونه‌ی جدی اصلاح شوند و نباید کسانی را در رأس این کمیسیون بگمارد که فکری برای ایجاد اصلاحات لازم را نداشته باشد. هم‌چنان داکتر عبدالله روی افرادی که باید در کمیسیون ایجاد اصلاحات کار کنند، دقت کند و اجازه ندهد که به ساده‌گی تقلب‌کاران و آنانی که کشور را به خطر کشانده بودند، انتخابات مهم شوراهای ولسوالی و پارلمانی کشور را نیز راه اندازند.

به نظر ما، اگر در ترکیب کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، دقت لازم نشود، هیچ نوع اصلاحاتی را که مردم در انتظارش هستند، شاهد نخواهیم بود.

بنابراین مجلس نماینده‌گان نیز باید روی ایجاد صلاحیت‌ها و کارکردهای این کمیسیون، در تصویب قوانین مربوط به این نهاد نو تشکیل، دقت لازم را داشته باشند.

اگر توجه این کمیسیون، فقط به مسایل قانونی و اصلاح رویه‌ها شود و فیزیک کمیسیون‌ها از نظر دور بماند و به افراد خاطی و تقلب‌کار توجه نشود، هیچ اصلاحاتی در این نهادها و در روند انتخابات، ایجاد نخواهد شد. بنابراین هنوز کمیسیون کارش را آغاز نکرده است و فرصت کافی برای بازنگردی در مورد آن وجود دارد.

حاشیه‌یی بر عملیات ذوالفقار در هلمند

عملیات اردوی ملی باید به غیر از طالبان؛ قاچاق‌بران مواد مخدر، سرحد باز و آن خابنین ملی که از پول مواد مخدر زمین‌های دولتی را غضب کردند و شهرک‌ها و بلندمنزل‌ها ساختند نیز مورد هدف قرار دهد. البته تطبیق این رویکرد، زمان‌گیر است و به تجهیزات، پرسونل و امکانات کافی نیاز دارد. اما از آن‌جایی که سیاست مدارا با طالبان و تضرع به پاکستان در طول سیزده سالی که گذشت، هیچ دستاوردی در تأمین امنیت و استحکام ثبات در افغانستان نداشت و بلکه برعکس به طالبان و حامیان آن جسارت بیشتر داد؛ مهم‌ترین گزینه برای متقاعد ساختن طالبان به مذاکره و صلح، فشار نظامی بالای آن‌هاست که باید دولت وحدت ملی به آن توجه جدی داشته باشد.



اردوی ملی افغانستان عملیات نظامی بزرگی را به تاریخ ۲۶ ماه ذوالفقار در ولایت هلمند آغاز کرده که تا اکنون ادامه دارد. عملیات ذوالفقار به مقصد پاک‌سازی ولایت هلمند از وجود طالبان در نظر گرفته شده است و نظر به گفته سخنگوی وزارت دفاع ملی، این عملیات عملیاتی بزرگ به شمار می‌آید که تا پاک‌سازی مکمل ولایت هلمند از وجود طالبان ادامه پیدا خواهد کرد و برای جلوگیری از فرار طالبان، ولایات هم‌جوار با هلمند را نیز در بر می‌گیرد. اگر اردوی ملی طوری که سخنگوی وزارت دفاع وعده داده است، در این عملیات پیروز گردد، از لحاظ نظامی و سیاسی ضربه سنگینی به پیکر طالبان وارد خواهد آمد و در شرایط فعلی، دستاورد بزرگی برای دولت وحدت ملی به بار خواهد نشست.

۱- ولایت هلمند و ولایات هم‌جوار با آن، به دلایل مختلف نسبت به سایر ولایات افغانستان برای گروه طالبان اهمیت استراتژیک دارد. نخست این‌که تمامی رهبران طالبان مربوط به همین سه ولایت هستند. دوم این‌که ولایت هلمند به‌تنهایی اضافه از پنجاه درصد مواد مخدر جهان را تولید می‌کند که بخشی از عواید آن به طالبان می‌رسد و طالبان از آن در عملیات‌های هراس‌افکنانه استفاده می‌کنند. سوم این‌که این سه ولایت با پاکستان سرحد مشترک دارند، طالبان با استفاده از سرحد باز در جریان جنگ‌ها می‌توانند به مناطق مصون در آن‌طرف سرحد فرار کنند و همچنان جبهات‌شان را از این طریق اکمال کنند. و چهارم این‌که نزدیکی ولایات هلمند، قندهار و زابل به شورای کویته که گفته می‌شود رهبری طالبان در آن‌جا قرار دارد، به تنظیم و اداره طالبان کمک می‌کند.

۲- موفقیت اردوی ملی در پاک‌سازی هلمند از وجود طالبان، توانایی سکتورهای امنیتی را در تأمین امنیت در نبود سربازان خارجی ثابت خواهد کرد.

۳- کامیابی اردوی ملی در این عملیات، تأثیرات مثبتی برای دولت وحدت ملی در مذاکرات صلح - که قرار است میان دولت و گروه طالبان در هفته‌های بعدی آغاز شود - خواهد داشت و طالبان را مجبور به قبول شرایط دولت در جریان مذاکرات خواهد ساخت.

۴- عملیات اردوی ملی در هلمند در خنثاسازی عملیات بهاری طالبان، روحیه این گروه را متزلزل و آن‌ها را در حالت دفاعی قرار خواهد داد و برای اولین بار پس از سیزده سال، ابتکار را در جنگ از این گروه خواهد گرفت.

۵- کنترل کامل دولت بر تمام ولسوالی‌های هلمند و ولایات هم‌جوار با آن، از نفوذ داعش در منطقه جلوگیری خواهد کرد و مانع پیوستن طالبان بنا بر عوامل مختلف به داعش خواهد

شد. گروه طالبان در ولایات هلمند، قندهار و زابل به‌تنهایی این توانایی را ندارد که آن‌همه سرباز امریکایی و انگلیسی را به مدت سیزده سال به چالش بکشاند. آن‌چه که طالبان را در این مدت تقویت می‌کرد، کشت و قاچاق مواد مخدر، سرحد باز و فساد اداری بود که در این سه ولایت وجود داشت و متأسفانه هنوز هم وجود دارد؛ از این‌رو عملیات اردوی ملی باید به غیر از طالبان؛ قاچاق‌بران مواد مخدر، سرحد باز و آن خابنین ملی که از پول مواد مخدر زمین‌های دولتی را غضب کردند و شهرک‌ها و بلندمنزل‌ها ساختند نیز مورد هدف قرار دهد. البته تطبیق این رویکرد، زمان‌گیر است و به تجهیزات، پرسونل و امکانات کافی نیاز دارد. اما از آن‌جایی که سیاست مدارا با طالبان و تضرع به پاکستان در طول سیزده سالی که گذشت، هیچ دستاوردی در تأمین امنیت و استحکام ثبات در افغانستان نداشت و بلکه برعکس به طالبان و حامیان آن جسارت بیشتر داد؛ مهم‌ترین گزینه برای متقاعد ساختن طالبان به مذاکره و صلح، فشار نظامی بالای آن‌هاست که باید دولت وحدت ملی به آن توجه جدی داشته باشد.

اما با توجه به تجارب گذشته، شرط عمده موفقیت اردوی ملی در هلمند آن است که عملیات ذوالفقار باید مقطعی و کوتاه‌مدت نباشد. در سیزده سالی که گذشت، قوت‌های خارجی و داخلی عملیات‌های خرد و بزرگی در ولایت هلمند و ولایات هم‌جوار با آن انجام دادند، اما هیچ‌کدام به دلیل مقطعی بودن و عدم اتخاذ یک استراتژی موثر و عملی، دستاورد مطلوبی در کاهش ناامنی‌ها و عملیات‌های هراس‌افکنانه نداشتند. برعکس، عملیات‌های مقطعی و کوتاه‌مدت به طالبان معافیت بخشید و این گروه را در برابر حملات نیروهای خارجی و نیروهای امنیتی افغانستان مقاوم‌تر ساخت. بنابراین، موفقیت عملیات ذوالفقار در پاک‌سازی هلمند و ولایات هم‌جوار با آن از وجود طالبان و تأمین امنیت به گونه‌ی دایمی و پایدار، با توجه به موقعیت استراتژیک آن و با در نظر داشت عوامل ناامنی در آن ولایت، به رویکردی وسیع و همه‌جانبه منوط است؛ رویکردی که تمام عوامل و عناصری که در تقویت و رشد تروریسم در منطقه نقش اساسی بازی می‌کنند را مورد هدف عملیات اردوی ملی قرار دهد.

بان کی مون:

از ناتوانی در پایان دادن به جنگ سوریه شرمسارم



خبرگزاری تسنیم: دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد که از ناتوانی در پایان دادن به جنگ سوریه عصبانی و شرمناک است.

به گزارش ایترتاس، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد از ناتوانی در پایان دادن به جنگ در سوریه ابراز عصبانیت و شرمساری کرد. وی در ادامه قول داد که اقدامات لازم برای ازسرگیری مذاکرات در دستور کار سازمان ملل قرار خواهد گرفت. وی در ادامه اعلام کرد که مذاکرات همچنان تنها راه پایان دادن به مناقشه‌ای بلند مدت در یمن است. پیش از این موگرینی در یک کنفرانس خبری تاکید کرد که اتحادیه اروپا آماده تعامل با همه بازیگران منطقه ای و بین المللی که بر طرف های سوری نفوذ دارند، است، به خصوص کشورهای بزرگ خلیج فارس که از عربستان سعودی آغاز می شود و همین طور ایران و روسیه.

چین آماده امضای توافقات دوستانه

با همسایگانش است



رییس جمهوری چین اعلام کرد، پکن آماده امضای توافقنامه‌های دوستانه و همکاری با همسایگانش با هدف تامین حمایتی عمیق برای تحقق روابط دو جانبه، شکوه و عظمت و برقراری ثبات در منطقه است. به گزارش خبرگزاری آسیا، شی جینپینگ، رییس جمهوری چین در جریان سخنرانی در کنفرانس سالانه «نشست سران بوآئو برای آسیا» در جنوب این کشور گفت: به دنبال امضای توافق همکاری با تمامی همسایگان هستیم و پکن به دنبال برگزاری جلساتی با مجمع کشورهای جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن) است. چین آماده چنین توافقاتی با هشت کشور همسایه و تامین حمایت قوی برای برقراری روابط دو جانبه در منطقه است. رییس جمهوری چین با اشاره به این ضرب المثل چینی که «همسایگان نزدیک بهتر از خویشاوندان دور هستند»، گفت: پکن به صورت فعالانه برای ایجاد تحول و بهبود همکاری با همسایگانش فعالیت می کند. در این نشست ۱۵ تن از رهبران کشورهایی چون نپال و سریلانکا و افراد مهمی چون بیل گیتس، موسس مایکروسافت حضور داشتند.

امریکایی ها به داد عربستانی ها رسیدند



اند. ساکنان منطقه گزارش داده اند که جت های جنگی بالای میدان هوایی بین المللی صنعا و دیگر اهداف نظامی در شرق، غرب و جنوب پایتخت، راکت شلیک کرده اند. آنها همچنان گفته اند که کاخ ریاست جمهوری که توسط شورشیان حوثی اشغال گردیده است، تا حال سه بار مورد بمباران قرار گرفته است.

همچنان در جنوب یمن هواپیماهای جنگی در فضای ولایت «الضالع» دیده شده اند. به قول شاهدان عینی در «الضالع» و هم در «صنعا» صدای راکت های دافع هوای شورشیان حوثی به گوش می رسیده است. در این میان اردوی عربستان سعودی اعلام کرده است که حریم هوایی یمن در حال حاضر «به طور کامل تحت کنترل» ائتلاف نظامی است.

است، شبه نظامیان شیعه حوثی علیه عبدربه منصور هادی رییس جمهور این کشور می جنگند. گفته می شود که این ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی به پشتیبانی رییس جمهور هادی فعال است. احتمالاً شورشیان حوثی از علی عبدالله صالح، رییس جمهور سابق یمن و همچنان حکومت ایران حمایت بدست می آورند.

حوثی ها در ماه های اخیر، بخش های بزرگی از یمن و پایتخت کشور صنعا را تحت کنترل شان درآورده اند. آنها در هفته روان میلادی به سمت شهر جنوبی عدن پیشروی را آغاز کردند.

افزایش حملات هوایی

بر اساس گزارش خبرنگاران، ائتلاف نظامی حملات هوایی اش را در جریان شب شنبه گسترش بخشیده است. شاهدان عینی از حمله به پایگاه های نظامی در اطراف صنعا و در جنوب کشور سخن گفته

از شب پنجشنبه به اینطرف نیروهای هوایی عربستان سعودی و متحدانش حملات شانرا بالای شورشیان حوثی در کشور همسایه یمن آغاز کردند. اما گاهی نیاز به کمک ایالات متحده امریکا می رود.

اردوی ایالات متحده امریکا دو پیلوت نظامی عربستان سعودی را از بحر در سواحل یمن نجات داد. از وزارت دفاع ایالات متحده امریکا گزارش شده است که دو سرباز امریکایی از هلیکوپتر شان سرنشینان یک جت جنگی را در خلیج عدن شناسایی کرده و آنها را به جای امنی انتقال دادند. گفته شده است که پیلوت های جت (اف-۱۵) روز پنج شنبه با چوکی پرش شان خود را از هواپیما پرتاب کرده بودند. گفته شده است که جت جنگی آنها مشکلات فنی پیدا کرده بود و سپس عربستان سعودی از اردوی ایالات متحده امریکا خواستار کمک گردیده بود.

حمایت های ایالات متحده امریکا

برنات میهان سخنگوی شورای امنیت ملی ایالات متحده امریکا در واشنگتن گفته است که ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی در یک تماس تلفنی از بارک اوباما، رییس جمهور ایالات متحده امریکا به خاطر کمک های سربازانش ابراز امتنان کرده است. میهان در ادامه گفته است که اوباما حمایت کشور اش را در مبارزه نیروهای ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی علیه شبه نظامیان شیعه حوثی، به پادشاه عربستان سعودی وعده داده است. او همچنین گفته است که ایالات متحده امریکا و کشورهای خلیج منافع مشترک در ثبات اوضاع در یمن دارند. براساس معلومات کاخ سفید، نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا مستقیماً در عملیات نظامی سهیم نیستند، اما عربستان سعودی حمایت تدارکاتی و اطلاعاتی بدست می آورد. در یمن، که یکی از فقیرترین کشورهای عربی

نخست وزیر پاکستان:

عمران خان در ایجاد خیبر پختونخواه جدید شکست خورده است

زیادی در این ایالت وجود دارند که تعداد زیادی از آرا را به خود اختصاص داده بودند. نواز شریف افزود: از فضل الرحمان خواسته که به آن دسته از کسانی که بیشترین آرا را کسب کرده اند اجازه تشکیل دولت خودشان را بدهد.

نخست وزیر پاکستان با اشاره به تعهداتی که برخی از افراد برای ایجاد پاکستانی جدید داده بودند، این سؤال را مطرح کرد که آیا تاکنون پس از نزدیک به دو سال، پاکستان جدیدی را مشاهده می کنند یا خیر؟

نواز شریف در مورد بازگشت گروه های تروریستی گفت: شبکه های این گروه ها از هم متلاشی شده و عملیات موسوم به «ضرب غضب» با موفقیت در حال انجام است و تا زمان نابودی کامل تروریست ها ادامه پیدا خواهد کرد.

وی در خصوص تمام کسانی که بر حسب مسائل فرقه ای یکدیگر را می کشند منهد شد که چنین افرادی را بر حسب قانون اساسی پاکستان به سزای اعمال خودشان برساند.

نخست وزیر پاکستان در جمع کثیری از کارمندان حزب مسلم لیگ شاخه نواز گفت که عمران خان در انجام به وعده اش مبنی بر ایجاد خیبر پختونخواه جدید شکست خورده است.

نواز شریف نخست وزیر پاکستان گفت: حزب «مسلم لیگ» شاخه نواز هیچ اعتقادی به وعده های پوچ و بی پایه و اساس ندارد و این حزب با تعهد به ایجاد تغییرات مثبت در زندگی مردم سراسر پاکستان کار می کند.

نخست وزیر پاکستان در خطاب به جمع کثیری از کارگران حزب مسلم لیگ در «خانه ملت» ادامه داد: مردم «خیبر پختونخواه» که مدت هاست وعده های ایجاد «خیبر پختونخواه جدید» را می شنوند، هنوز پس از گذشت نزدیک به دو سال، هنوز هیچ تغییر خاصی را مشاهده نکرده اند.

رهبر حزب مسلم لیگ شاخه نواز اظهار داشت: حزب وی در خیبر پختونخواه آینده ای روشن خواهد داشت و وضعیت گذشته خود را با وجود وفاداری کامل مردم دوباره بدست خواهد آورد.

نواز شریف گفت: حزب «تحریک انصاف پاکستان» تنها ۱۷۲ هزار رأی بیشتر از تعداد ۸۵۶ هزار رأی حزب مسلم لیگ شاخه نواز بدست آورده بود و ابراز امیدواری کرد که عملکرد مثبت حزب وی بتواند این اوضاع را در انتخابات آینده تغییر بدهد.

رهبر حزب مسلم لیگ شاخه نواز با اشاره به ملا فضل الرحمان به عنوان فردی که تعداد قابل توجهی از آرای انتخابات را از آن خود کرده بود، گفت: احزاب

لتونی:

لفاظی های نظامی روسیه هشدار دهنده است



وزیر خارجه لتونی گفت: درگیری های لفظی میان روسیه و غرب در حال تبدیل شدن به پیامدهای مخرب و زیانبار و هشدار دهنده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، لتونی به همراه استونی و لیتوانی تا سال ۱۹۹۱ جزو شوروی بودند و هم اکنون اعضای اتحادیه اروپا هستند؛ به همین دلیل نگران اقدامات روسیه بوده و از نزدیک تحولات اخیر میان روسیه و غرب را زیر نظر دارند؛ تحولاتی که در طی بحران اوکراین به وجود آمده است.

غرب اعلام کرده شواهدی مبنی بر حمایت مسکو از مخالفان حامی استقلال در شرق اوکراین دارد. اما مسکو این شواهد را رد کرده است.

ادگاردز رینکوویچز، وزیر امور خارجه لتونی به خبرگزاری رویترز گفت: امیدوارم که همگی ما این تحرکات از جانب روسیه را متوجه باشیم. هرگونه وخامت اوضاع منجر به پیامدهایی زیانبار می شود. این دیپلمات ارشد دولت لتونی با اشاره به تحریم های اتحادیه اروپا علیه روسیه گفت: باید متوجه باشیم که پیامدهای وخیم این تحریم ها بر اقتصاد روسیه بر تمامی منطقه تاثیر می گذارد و امیدوارم رهبری روسیه متوجه این مساله باشد و به این ماجراجویی غیرمسئولانه پایان دهد. سفیر روسیه در دنمارک اخیراً اعلام کرده بود، در صورتی که دنمارک به سیستم دفاع موشکی ناتو بپیوندد مسکو موشک های اتمی خود را به سمت ناوهای دانمارکی نشانه می گیرد. این درگیری لفظی بسیار خطرناک است. ما نباید اینگونه صحبت ها را دستکم بگیریم و باید از آنها اجتناب کنیم.



بخش نخست

مراقب خودت باش!

بسیاری از ما در زنده‌گی مسوولیت‌های زیادی داریم که باعث می‌شود خودمراقبتی را فراموش کنیم؛ در حالی که مراقبت خوب از بدن، می‌تواند به ما در مورد خود و زنده‌گی مان احساس خوبی داده و ارزشی را که برای خود قابل هستیم، به دیگران منتقل کند.

خودمراقبتی شامل اعمالی اکتسابی، آگاهانه و هدف‌دار است که مردم برای خود، فرزندان و خانواده‌های شان انجام می‌دهند تا تن درست بمانند، از سلامت ذهنی و جسمی خود حفاظت کنند، نیازهای اجتماعی و روانی خود را برآورده سازند و از بیماری‌ها یا حوادث پیش‌گیری کنند.

داشتن یک برنامه جامع خودمراقبتی به ما کمک می‌کند گام‌های کوچکی برای کاهش استرس و بهبود کیفیت زنده‌گی خود برداریم. با خودمراقبتی، ما به صورت ارادی و فعالانه، زمانی را برای خودمان در نظر می‌گیریم تا کارهایی را انجام دهیم که موجب حفظ و تقویت جوانی و انرژی ما شود. خودمراقبتی، اعتماد به نفس و عزت نفس ما را افزایش داده و بر شور و شوق زنده‌گی و انگیزه موفقیت ما می‌افزاید.

خودآگاهی؛ اولین گام خودمراقبتی

برای خودمراقبتی باید در مورد آنچه که هستیم، آنچه که می‌خواهیم باشیم و دلایل مان برای چنین قصدی، دیدگاه روشنی داشته باشیم و سپس، باید توانمند شویم تا آگاهانه و فعالانه آنچه را که می‌خواهیم، به واقعیت تبدیل کنیم. همه ما از نقاط قوت و ضعف خود آگاهی و این آگاهی به ما قدرتی می‌دهد که با کمک آن می‌توانیم تغییراتی را به وجود آوریم و زنده‌گی خود را تغییر دهیم.

چه‌گونه برای خودمراقبتی برنامه‌ریزی کنیم؟

برای طراحی یک برنامه خودمراقبتی، باید به تمام عناصر زنده‌گی توجه داشت. این عناصر در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شوند که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم. با توجه به این مطالب می‌توانیم بر اساس خصوصیات فردی خود، برای «خودمراقبتی» برنامه‌ریزی کنیم.

خودمراقبتی جسمی:

غذای سالم شامل صبحانه، نهار، شام و میان‌وعده‌های سالم بخوریم.

هر روز فعالیت‌های ورزشی مانند پیاده‌روی، دویدن و ... انجام دهیم.

به طور دوره‌یی و منظم برای معاینه و مراقبت به پزشک مراجعه کنیم.

هنگام بیماری، استراحت کافی داشته باشیم.

در طول شبانه‌روز خواب و استراحت کافی داشته باشیم.

در هنگام تعطیلات، به مسافرت یا تفریح برویم.

از دستگاه‌ها، لوازم و رفتارهای پرخطر مانند سگرت، قلیان و ... اجتناب کنیم.

خودمراقبتی روانی و عاطفی:

هر روز، زمانی را به تفکر و تأمل اختصاص دهیم.

برای کاهش استرس خود اقدامات لازم را انجام دهیم.

به تجارب، آرزوها، افکار و احساسات خود توجه نماییم.

شاهکارهای ادبی و هنری را مطالعه کنیم.

زمانی را برای رفتن به دامن طبیعت اختصاص دهیم.

به موسیقی آرامش‌بخش گوش دهیم.

مراحل زنده‌گی

از نظر کی‌یرکگارد

در جست‌وجوی تنوع و تازه‌گی است و در حال تلاش برای دفع رنج از خودش می‌باشد، اما در نهایت با نومییدی و رنج مواجه می‌شود.

کی‌یرکگارد نمونه و نماد این مرحله را فردی به نام "دون ژوان" معرفی می‌کند که دین و مذهب را کنار گذاشته و با معیارهای ثابت اخلاقی و دینی به شدت به دشمنی برخاسته است.

در مرحله یا سبک اخلاقی، برای فردی که در این مرحله است، یک رشته مقررات جهانی مطرح است و او خود را مقید می‌داند که به این مقررات عمل کند. در سبک اخلاقی، زنده‌گی چیزی نیست جز یک نوع تعهد به ادای تکلیف فردی و اجتماعی. در این سبک، فرد خود را در برابر نظام بشری مسوول می‌داند و بر عهده خویش می‌داند که با تملک نفس و خویشتن‌داری اخلاق را بر لذت فردی مقدم بدارد. و چنین انسانی مرد تکلیف است تکلیفی که خودآزادانه و در عین وقوف کامل به مسوولیت خویش اختیار نموده است. کی‌یرکگارد نمونه یک فرد اخلاقی را "سقراط" معرفی می‌کند.

در مرحله دینی یا مذهبی، انسان "اصول اخلاقی" را رها می‌کند تا خود را کاملاً و با شور و نشاطی عاشقانه وقف خدا کند.

در این مرحله فرد خود را در ارتباطی بی‌واسطه با امری والا می‌بیند. در مرحله دینی است که در آن شخص به اراده خداوند تسلیم می‌گردد و با انجام این کار آزادی اصیل را می‌یابد. یکی از قهرمانان گذار از مرحله اخلاقی به مرحله دینی حضرت ابراهیم است؛ در دستوری که به ابراهیم برای قربانی کردن فرزندش داده می‌شود، خداوند چیزی را از ابراهیم می‌خواهد که از دیدگاه اخلاقی ممنوع است. در این‌جاست که شخص خودش باید تصمیم بگیرد و لذات زودگذر را و یا اصول اخلاقی را بپذیرد و یا کاری مومنانه انجام دهد؛ چنان کاری که ابراهیم شهسوار ایمان چنین کرد.

تقسیم‌بندی دیگری نیز از انواع سبک‌های زنده‌گی وجود دارد که ما به اختصار بیان می‌داریم. در این تقسیم‌بندی زنده‌گی به دو نوع زنده‌گی خودآگاهانه و زنده‌گی ناخودآگاهانه تقسیم می‌شود. زنده‌گی خودآگاهانه زنده‌گی‌بی است که فرد یک‌سره خودآگاهی و علم است به تمام رفتار و گفتار و حتا پندار خود. در زنده‌گی خودآگاهانه غفلت جایی ندارد و فرد یک‌سره هوشیاری است. البته زنده‌گی خودآگاهانه نیز به دو نوع تقسیم می‌شود: زندگی خودآگاهانه ایمانی که بالاترین جایگاه را دارد و دیگری زنده‌گی خودآگاهانه بی‌قید و شرط.

قسم دوم زنده‌گی، ناخودآگاهانه است. زنده‌گی ناخودآگاهانه زنده‌گی‌بی است که فرد در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌هایش بیشتر تحت تأثیر محیط و اطرافیانش هست و در شلوغی و غوغای دیگران، خودش را فراموش می‌کند و بی‌آن‌که حواسش به خودش باشد، دست به انتخاب می‌زند که این نوع زنده‌گی نیز به دو پاره تقسیم می‌شود: زنده‌گی ناخودآگاهانه ایمانی و زنده‌گی ناخودآگاهانه بی‌قید و شرط.

کی‌یرکگارد در سال ۱۸۴۲ به کپنهاگ برگشت و کتاب "یا این یا آن؛ پاره‌یی از زنده‌گی" را منتشر کرد. در سال ۱۸۴۲ ترس و لرز را منتشر کرد؛ کتابی که بنا به گفته خودش برای جاودان کردن نامش کافی بود. عشق رژین همچنان در دل کی‌یرکگارد زنده بود و هر یک‌شنبه او را در کلیسا می‌دید، هرچند که صحبتی ما بین آن دو ردو بدل نمی‌شد. چندی بعد نیز رژین ازدواج کرد. در اپریل سال ۱۸۵۵ رژین و شوهرش قرار بود از کپنهاگ بروند، در این بین رژین با کی‌یرکگارد برخورد داشت و بعد از ۱۴ سال با همدیگر به صحبت پرداختند. ۷ ماه پس از سفر رژین یعنی در ۱۱ نوامبر ۱۸۵۵ کی‌یرکگارد بر اثر ضعف و ناتوانی در سن ۴۲ سالگی در گذشت و طبق وصیتش تمام اموالش را برای رژین گذاشت. حال که با سبک زنده‌گی خود کی‌یرکگارد آشنا شدیم، به سراغ بحث اصلی خود در این جستار یعنی انواع سبک‌های زنده‌گی از نظر کی‌یرکگارد، می‌رویم.



رضا مهریزی

وی در ۱۸۴۲ به کپنهاگ برگشت و کتاب "یا این یا آن؛ پاره‌یی از زنده‌گی" را منتشر کرد.

در سال ۱۸۴۲ ترس و لرز را منتشر کرد؛ کتابی که بنا به گفته خودش برای جاودان کردن نامش کافی بود. عشق رژین همچنان در دل کی‌یرکگارد زنده بود و هر یک‌شنبه او را در کلیسا می‌دید، هرچند که صحبتی ما بین آن دو ردو بدل نمی‌شد.

چندی بعد نیز رژین ازدواج کرد. در اپریل سال ۱۸۵۵ رژین و شوهرش قرار بود از کپنهاگ بروند، در این بین رژین با کی‌یرکگارد برخورد داشت و بعد از ۱۴ سال با همدیگر به صحبت پرداختند. ۷ ماه پس از سفر رژین یعنی در ۱۱ نوامبر ۱۸۵۵ کی‌یرکگارد بر اثر ضعف و ناتوانی در سن ۴۲ سالگی در گذشت و طبق وصیتش تمام اموالش را برای رژین گذاشت.

حال که با سبک زنده‌گی خود کی‌یرکگارد آشنا شدیم، به سراغ بحث اصلی خود در این جستار یعنی انواع سبک‌های زنده‌گی از نظر کی‌یرکگارد، می‌رویم. طبق نظر کی‌یرکگارد در افراد بشر سه دیدگاه نسبت به زنده‌گی و یا سه مرحله در زنده‌گی وجود دارد:

- مرحله زیباشناختی یا حسی

- مرحله اخلاقی

- مرحله دینی یا مذهبی

هر مرحله یک سبک مستقل است و هیچ فرمولی مراحل مختلف را به هم وصل نمی‌کند. انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر به صورت پیوسته نیست و جهش‌وار صورت می‌گیرد.

مرحله زیباشناختی یا حسی: این مرحله از حیات، حول تمایل به لذت و ارضای آنی شهوات شکل گرفته است و مربوط به افرادی می‌شود که در زنده‌گی آنها دوام و ثباتی نیست و می‌خواهند طعم همه تجارب را بچشند و از چیزهایی که آنها را مقید و محدود می‌کند، گریزانند. فرد در مرحله زیباشناختی یا حسی دائماً

در این مقاله ابتدا شمه‌یی از زنده‌گانی کی‌یرکگارد مطرح شده، سپس مراحل یا سبک‌های زنده‌گی از دیدگاه وی ارایه می‌شود.

سورن کی‌یرکگارد در ۱۸۱۳ در کپنهاگ دانمارک متولد شد. پدرش در ابتدا چوپانی تهی‌دست بود. او که فردی مذهبی بود، روزی زبان به اعتراض گشود و آنچه را که توانست نثار خدایش کرد. پس از آن واقعه، او به حرفه تجارت منسوجات پرداخت و پس از مدتی ثروت فراوان یافت. اما دیری نپایید که فرزندان او یکی یکی از بین رفتند و از هفت فرزند او فقط دو نفر باقی ماندند. پدر این امر را خشم خدا می‌دانست و به یادافره گناهایش تصمیم گرفت سورن را یک خدادان کند. لذا سورن در ۱۸۳۰ در رشته الهیات وارد دانشگاه کپنهاگ شد اما دیری نپایید که متوجه فلسفه شد و فلسفه هگل او را شیفته خود کرد؛ اما بعدها معتقد شد که هگل کاخی (نظام فلسفی) محکمی را بنا کرده است که خود هگل در آن جایی ندارد. لذا به جرگه منتقدان فلسفه هگل پیوست.

یک‌بار در دوره دانشجویی به روسپی‌خانه‌یی رفت که تنها تجربه جنسی او در زنده‌گی محسوب می‌شود، ولی سرخورده و با خاطره‌یی بد از آن‌جا گریخت. در بهار سال ۱۸۳۶ کی‌یرکگارد دچار بحران نومییدی شد و مدت دو سال طول کشید تا به حالت عادی و طبیعی برگردد. در سال ۱۸۳۸ پدر را از دست داد و ارث نسبتاً قابل توجهی به وی رسید. همین امر کمک کرد که او راحت‌تر به مسایل فلسفه بپردازد. در ۱۸۳۹ و در سن ۲۶ سالگی با دختری هفده ساله از خانواده نجیبی دانمارک به نام رژین اولسن آشنا شد. این دو به‌زودی با هم نامزدی کردند، ولی ۲ روز پس از نامزدی کی‌یرکگارد به این نتیجه رسید که اشتباه کرده و حلقه را به او پس داد. کی‌یرکگور پس از به‌هم زدن نامزدی‌اش، به آلمان رفت و یک سال در برلین اقامت گزید.



ظاهراً رویکرد اشاعره به مسأله علیت با رویکرد شماری پیروان دکارت و فیلسوفان غربی در باب علت‌های موقعی (اویژنال) قرابت تامی دارد و با نگاه بناونتورا (۱۲۷۴-۱۲۲۱م) متکلم اسکولاستیک ایتالیایی که معتقد بود پاراسای در آن است که هیچ چیزی را برای خود ادعا نکنیم بلکه همه چیز را به خدا نسبت دهیم نیز بی‌شبهت نیست.

این نوع رویکرد که پاراسای را در سلب اختیار انسان می‌داند، با روی دادن حوادث طبیعی بیشتر رخ می‌نماید و بی‌پرده می‌شود کما این‌که، انسان‌هایی در مواجهه با حوادث طبیعی چنان نتیجه می‌گیرند که گویی ما فاقد اختیاریم و حضور قدرت و اراده صانع حکیم، جایی برای اختیار ما نگذاشته است. این طرز دید با حادثه‌های غیرمنتظره طبیعی که انسان آن‌ها را شرّ طبیعی می‌انگارد، سر برمی‌کشد، و انسان متناسب با میزان سلب اختیار از خویش، تصوّر می‌کند که به تقوا و پاراسایی بیشتری دست یافته است.

پس از حوادث اخیر برف‌کوب در نقاط مختلف کشور متوجه شدم که دوستانی به این نوع پاراسایی پناه می‌برند و با اعتقاد راسخ و بی‌پیشینه‌یی به همان فطرت دینی خویش برمی‌گردند. در قرآن آمده است:

﴿لَإِذَا رَكبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ [عنکبوت: ۶۵]

ترجمه: هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، آن وقت شرک می‌ورزند.

این آیه نشان می‌دهد که انسان در لحظاتی که با خطرات و سختی‌ها مواجه می‌شود، به دین و فطرت دینی خویش برمی‌گردد، و هرازگاهی خودش را نجات یافته و در امن احساس کرد، دوباره به تعددپرستی و انحراف روی می‌آورد. این واقعیت در انسان‌های زیادی تجربه شده است و حتا سخت‌دل‌ترین و دیکتاتورترین‌ها نیز در هنگام مرگ و ناتوانی اسباب دنیوی در نجات‌شان، به خدا پناه برده‌اند کما این‌که نقل کرده‌اند که استالین با آن‌همه قسوتی که در برابر پیروان ادیان از جمله یهودیان روا داشت، در هنگام مردنش از اطرافیانش خواست تا بر وی تورات بخوانند. به‌همین‌سان، فرعون نیز حین غرق شدن ندا درآورد که: ﴿قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [یونس: ۹۰] ترجمه: گفتم (فرعون): «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!»؛ ابواسحاق نیشاپوری آورده است که جبریل در این حالت حاضر بود و کف گل سپاهی از قعر دریا برداشت و به دهان او نهاد و گفت: ﴿الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ [یونس: ۹۱] ترجمه: الآن؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی.

این‌که انسان‌ها در مواجهه با سختی‌ها و مصیبت‌ها به خدا روی می‌آورند، تجربه‌یی تاریخی، خصلتی روان‌شناختی و طبیعی بشر است که هرازگاهی به آزمون گذاشته شده است. از همین‌جاست که خداوند انسان‌هایی را که قرار است برای آنان پیامبری فرستاده شود، به انواع مصیبت‌ها گرفتار می‌کند تا آماده پذیرش پیام الهی گردند:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّغُونَ﴾ [اعراف: ۹۴]

ترجمه: و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این‌که اهل آن را به ناراحتی‌ها و خسارت‌ها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند.

انسان به‌صورت طبیعی به گونه‌یی طرّاحی شده است که در رویارویی با انواع رنج و مصیبت، پناه‌گاهی برای خودش دست‌وپا می‌کند و متکابی می‌خواهد که به دردها و آلام وی تسکین و توجیه بخشد. این خصلت طبیعی بشر بوده است که خداوند همواره کسانی را که پیامبری برای آنان فرستاده می‌شود، به انواع گوناگون درد و مصیبت گرفتار کرده است تا زمینه‌های درونی پذیرش پیام خداوند فراهم آید و انسان‌هایی به سعادت برسند.

قصه این‌که، روی دادن حوادثی که بشر مهار آن را در استطاعت خویش نمی‌بیند، سبب می‌شود تا زمینه‌های درونی گرایش به دین بیش از پیش تقویت یابد. این گرایش به خداوند در مواقعی به‌صورت افراطی خودش را نشان می‌دهد و تا سرحد واردشدن به ساحت جبر گسترش می‌یابد. انسان گاه فراموش می‌کند که خداوند



را فراگیرد و عمل‌کرد آنان در همین دنیا موجب شود که یک حادثه که ممکن است طبیعی نیز خوانده شود، روی دهد و آنان نیز با به‌دست‌دادن تفسیری دینی از آن، به خداوند باز گردند و عنان اختیار خویش را به‌دستان خویش به خدا بسپارند.

به هر روی، انسان در نوسان جبر و اختیار راه می‌رود و اختیارگراترین‌ها نیز در موقعیت‌های اضطراری و به‌خصوصی چنان می‌نگرند که گویی معتقد به جبر، و فاقد اختیار اند. معنای این سخن وقتی روشن می‌شود که انسان در وضعیت‌های غیرعادی به شهودِ درونی خویش برگردد و ندای درونش را بیش از عقل هیاهوگر بشنود. شاید از همین‌جاست که عرفای اسلامی ما به‌دلیل رویکردی سلوکی - عرفانی خویش، به نوعی جبرگرایی روی کرده‌اند و به توحید افعالی در بدل سلب اختیار از خویش گراییده‌اند. فراموش نکنیم که این قاعده عمومی و بدون استثنا نیست کما این‌که، عرفانی همچون مولوی نیز وجود داشته‌اند که بر اختیار انسان بیش از هر چیزی پای می‌فشرند و اصرار می‌ورزیدند.

انسان و رنج‌های همیشه‌گی انسان‌ها با گریه به دنیا می‌آیند و به‌ناخواست نیز این‌جا را ترک می‌گویند. انسان با تراژیدی متولد می‌شود و در تراژیدی می‌میرد کما این‌که گریه‌های نخستین او را می‌توان علامت پا گذاشتن به قلمرو تراژیدی به حساب آورد. قرآن کریم نیز بعد از یاد کردن سوگند به شهر مقدس (مکه)، و سوگند به پدر و فرزند بیان می‌دارد که انسان در رنج آفریده شده است:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ [بلد: ۴]

ترجمه: ما انسان را در رنج آفریدیم. این آیه نشان می‌دهد که آفرینش انسان‌ها با رنج و درد عجین شده است. بنابراین، رنج‌های آدمی پایان‌ناپذیر است و نمی‌توان زنده‌گی را فارغ از این‌گونه رنج‌ها در نظر آورد. در رنج بودن و رنج‌آوری را باید لازمه زنده‌گی این‌جهانی دانست که ابدا زدودنی و نابودشدنی نیست. اما می‌توان رنج‌ها و دردها را تقلیل بخشید و با فراهم‌آوری شرایط مناسب، و به‌کار بستن سعی و تلاش پی‌گیر، زمینه‌های تقلیل شر را به حداکثر ارتقا داد تا در منازعه میان خیر و شر، خیرات بر شرور برتری یابند و این حداکثر کاری است که می‌توان به انجام رساند.

جست‌وجوی خیر مطلق و شر مطلق در این جهان عبث است. خیر و شر مطلق در این دنیا وجود ندارد. هر چیزی خیری و شری با خود دارد که اجتناب‌ناپذیر و طبیعی به نظر می‌رسد و سراسر زنده‌گی آدمی نیز بر پایه مصلحت و ترجیح خیر بر شر بنا شده است. در این میان، انسان مختار و آگاه، بیش از هر موجود دیگری رنج می‌کشد. آگاهی او بر دردمندی‌اش افزوده است و او را به تپنده‌گی و ناقاراری بی‌وقفه‌یی واداشته است که هرگز سکون و قراری نمی‌شناسد.

کردن کلی حیات، تک‌رویدادهای جزیی را نیز معنادار، شناخت‌پذیر و قابل تحمل می‌سازد.

بسیار اتفاق می‌افتد که شرور طبیعی تبیین‌های خاص متافیزیکی برمی‌دارد که در چارچوب مفاهیم دینی طرح می‌شوند. برایان دیویس از سه رویکرد خداپرستان در برابر شر که بیشتر متکی بر بینشی مسیحی است، پرده برمی‌دارد. گروهی چنان تصوّر کرده‌اند که وجود شر در عالم توهم و خیال است و اصولاً شرّی در عالم وجود ندارد. در رویکرد دوم به مسأله شر، بر این‌که شرور کفاره گناهیانی است که مومنان انجام داده‌اند، تأکید صورت گرفته است، درحالی‌که، در تلقی سوم از شر، شرور لازمه خیر و جهان ماست، کما این‌که آمده است:

آن‌ها (خداپرستان) مدعی‌اند که شر، علی‌رغم ظاهر آن، چیزی جز توهم و خطای ذهنی انسان نیست. این، دیدگاه فرقه معرفت مسیحی است. رویکرد دیگر بر مفهوم شر به‌عنوان کیفر گناهان متمرکز شده است. بر اساس این اعتقاد، شر ممکن است کیفری عادلانه از جانب خداوند باشد. عناصری از این عقیده در دیدگاه آگوستین راجع به هبوط آدم و حوا وجود دارد.

این‌که شرور در هستی را توهم و خیال گمان بریم، چندان معقول به نظر نمی‌آید. زیرا شرور واقعی عینی‌اند که وجود آن برای هیچ‌کسی پوشیده نیست و انکار از آن مساوی به انکار از واقعیتی است که چارسوی ما را حلقه زده است و هر لحظه با آن دست به گریبانیم. دیدگاه دوم در این زمینه تأمل بیشتری می‌خواهد، کما این‌که روایاتی در اسلام نیز نشان می‌دهند که عمل‌کرد انسان‌ها و رخدادهای طبیعی، افزون بر آن‌که بی‌ربط نیستند، پیوندهایی نیز دارند. برایان دیویس این دیدگاه را به باد انتقاد می‌گیرد و با نقل عباراتی از ریچارد سون‌برن بر بی‌پایه‌گی آن تأکید دارد.

نویسنده به این باورم که شرور طبیعی را در اندیشه خداپرستان نباید با رویکردی تک‌علتی توضیح و توجیه کرد. رخدادهای طبیعی ممکن است علت‌های زیادی داشته باشند که ارجاع یک‌چنین رخدادهایی به یک علت، در توضیح این‌گونه رویدادها کافی به نظر نمی‌رسد. از جانبی هم، در اندیشه هر دین توحیدی‌یی، خداوند مصدر تشریح و تکوین است و توحید در خالقیت همه جا حضور دارد. به تعبیری دیگر، در تفکر دین توحیدی، ذات متعالی، حکیم و قادری که برنامه زنده‌گی برای بشر فرستاده است و منشأ تشریح دانسته می‌شود، خالق جهان و انسان نیز هست و از همین‌جاست که وحی و خلقت منبع واحدی می‌یابند و در طول هم معنا می‌شوند.

با این توضیح، بعید نیست که عمل‌کردهای ناشایست انسان باعث شود تا حوادث ناگواری روی دهد و خداوند در همین دنیا مجرمانی را به عذاب خویش گرفتار سازد. آیات ۱۶-۲۳ سوره قلم نشان می‌دهد که چه‌گونه عمل‌کرد انسان‌های حریص و صاحب‌جاه باعث می‌شود تا عذاب خداوندی باغ و بستان آن‌ها

او را مختار آفریده است و همین اختیار است که او را از سایر جانداران امتیاز می‌بخشد. بشر گاهی از موهبت اختیار خودش به زیان اختیار کار می‌گیرد و مختارانه خودش را به اندیشه جبر می‌سپارد. این نوع جبرگرایی هر چند مقطعی باشد، سود و زیان‌های بسیاری را به‌همراه دارد که در مجال دیگری در مورد آن سخن خواهیم گفت.

شرور طبیعی و تفسیر دینی حوادث طبیعی را می‌توان تجربه‌یی غیرارادی و انفعالی شخص تجربه‌گر در برابر موضوع تجربه دانست که می‌تواند تفاسیر گوناگونی - از آن‌جمله تفسیر دینی - را برتابد. تجربه‌های تفسیری دین را چنین تعریف کرده‌اند:

منظور از تجارب تفسیر، آن دسته از تجارب است که دینی بودن آن‌ها به‌خاطر ویژه‌گی‌های خود تجربه نیست، بلکه از آن‌رو دینی به شمار آمده‌اند که از پیش آن‌ها را در پرتو شبکه تفسیری دینی نگریسته‌اند. در این موارد فاعل تجربه بر اساس یک‌دسته تفاسیر پیشینی به تجربه خویش می‌نگرد، مانند آن‌که مسلمانی مرگ فرزند خود را عقوبت گناه خویش به شمار آورد، و یا شخص مسیحی آن را شرکت در رنج‌های عیسی قلمداد کند و در نتیجه در برابر آن شکیبایی بورزد و در اثر آن احساس اندوه و یا لذت و شادمانی کند. چنین حالی را می‌توان تجربه دینی به شمار آورد.

در آموزه‌های قرآنی موارد بسیاری به چشم می‌خورد که حوادث واقع‌شده را نتیجه اراده و مشیت الهی دانسته است و این‌که تا خداوند نخواهد و نخواسته باشد، هیچ اتفاق و حادثه‌یی در دنیا روی نخواهد داد. تأکید قرآن کریم بر توحید افعالی، و نیز مسأله تقدیر و مشیت الهی را می‌توان بر همین اساس توجیه کرد. با این وصف، دین کمک می‌کند تا پدیده‌ها و حوادث جهان درک‌پذیر و قابل توجیه گردد. حوادث جهان در دیده‌گان انسان دیندار معنا و توجیه می‌یابد درحالی‌که ممکن است در نگرش یک انسان بی‌دین، هرزه و عبث به نظر آید. کما این‌که عبدالله نصری آورده است:

ماکس وبر معتقد است که دین جهان را برای بشر درک‌پذیر می‌سازد. ماکس وبر طرف‌دار عقلانیت در قلمرو دین است و آن را به معنای حذف جنبه‌های جادویی دین و رفع تناقض‌ها و ابهام‌هایی می‌داند دین به عنوان راه رستگاری ارایه می‌دهد. بشر با رخدادهایی چون مرگ، خواب و بلاهای طبیعی روبه‌رو می‌شود که او را به سردرگمی می‌کشاند، دین این امور شگفت‌انگیز را برای بشر توجیه‌پذیر می‌سازد.

توضیح این‌که، دینداری کمک می‌کند تا انسان نسبت به حوادث حول‌وحوش خویش با عمق بیشتری بنگرد، در صورتی‌که در نبود دین ممکن است یک‌چنین حوادثی چندان مورد توجه قرار نگیرد. انسان دیندار همواره به رویدادهای پیرامونی خویش توجه دارد، درحالی‌که شخص بی‌دین از کنار چنین حوادثی بی‌خیال می‌گذرد و اصلاً توجه چندانی به اتفاقات پیرامونی خود ندارد. بنابراین، دین افزون بر معنادار



تحلیلگران در پیوند به اظهارات اشرف غنی:

طالبان باید از قربانیان و حتا از درختان شمالی معذرت بخواهند



هارون مجیدی

تعویذ نویسان جمع...

اصلی وزارت حج که ارشاد است اشاره نموده و از اقدامات آقای عثمانی در این راستا پرسیدند. آقای عثمانی گفت که در هماهنگی با علمای سراسر کشور می خواهد بخش ارشاد این وزارت را که در گذشته به آن توجه چندانی نشده است فعال کند. او از فرصت ها و چالش ها در این بخش یاد کرد و افزود: «در بخش ارشاد فرصت ها و چالش های دایم، یک بخش علما هستند که علاقمند نشان دادن چهره واقعی اسلام اند، اما چالش ما کسانی اند که هم در زیر چتر این نظام زندگی می کنند و هم بر علیه نظام صحبت می کنند.» وزیر حج تصریح کرد: علمایی که می خواهند حقیقت را بگویند؛ مصونیت جانی ندارند و وزارت حج در این راستا اقداماتی را روی دست دارد. آقای عثمانی همچنین گفت که قصد دارد برای تبلیغ ارشادات دینی یک رادیو تلویزیون را راه اندازی کند که رادیو بزودی راه اندازی خواهد شد و اما شبکه تلویزیونی به هزینه زیاد نیاز دارد که این وزارت می کوشد این هزینه را از طریق جلب کمک ها تامین نماید. به گفته وی؛ حدود ۱۶۰ هزار مسجد در سطح کشور وجود دارد که ۵۰ هزار مسجد شامل دیتابیس وزارت حج شده، ۳۷۰۰ مسجد رسمی است و ثبت دیگر مساجد نیز در برنامه این وزارت می باشد. او همچنین یادآور شد که برای ایجاد یک دارالافتا و بلند بردن ظرفیت علما برنامه های را روی دست دارد. از سویی هم، ظاهر قدیر معاون اول مجلس از وزارت حج خواست که برای استخدام امامان مساجد مقررات سخت گیرانه تری وضع کند.

پرونده قتل فرخنده، در دو بخش نظامی و ملکی بررسی می شود

مسئولان دادستانی کل می گویند که هیات تحقیق در مورد پرونده فرخنده در دادستانی تشکیل شده و این پرونده در دو بخش نظامی و ملکی بررسی خواهد شد. بصیر عزیز، سخنگوی دادستانی کل روز گذشته در یک نشست خبری گفت: «یک هیات تحقیقی برای بررسی پرونده فرخنده توظیف شده است.» وی خاطر نشان کرد که دادستانی کل ۱ ماه فرصت دارد تا به این پرونده رسیدگی کنند؛ اما اگر در این مدت زمان این پرونده تکمیل نشود؛ دوباره درخواست زمان خواهند کرد. مسئولان در کمیسیون حقیقت یاب پرونده قتل فرخنده می گویند که محرکین اصلی قتل این بانوی افغان، چهار تن از متولیان و ملنگان زیارت شاه دو شمشیره بودند که سه تن شان بازداشت شده است. آقای عزیزی در این نشست خبری اعلام کرد که از مجموع عاملان قتل فرخنده، ۱۹ فرد عادی و ۲۷ نیروی امنیتی دستگیر شده اند. پیش از این، روز پنجشنبه این پرونده از سوی کمیته حقیقت یاب رسماً به دادستانی کل راجع شده بود؛ اما به دلیل اینکه روز پنجشنبه و جمعه رخصتی بود از این رو دادستانی از امروز کار بررسی این پرونده را شروع کرده است.

پاکستان سفارت و قسولگری...

ماموریت های خود را در افغانستان انجام ندهد، دست به هر کاری خواهند زد و تلاش خواهند کرد که نقش هند را در افغانستان کاهش دهند؛ به همین منظور می خواهند حملات هراس افکنانه را بر دفاتر هند در آنجا انجام دهند.» پیش از این نیز چند بار نهادهای دیپلماتیک هند در افغانستان مورد حمله قرار گرفت و حالا هم، مقام های ارشد استخباراتی هند گفته اند که تدابیر ویژه برای تامین امنیت نهادهای دیپلماتیک این کشور، گرفته شده است. به باور مقامات هندی، پاکستان هنوز هم، تهدید بزرگ برای امنیت افغانستان پنداشته می شود. گزارش هایی نیز وجود دارند که سازمان استخباراتی پاکستان به کمک لشکر طیبه می خواهد این حملات در افغانستان راه اندازی کند و گفت و گوهایی میان آن ها نیز صورت گرفته است. گفتنی است که مقامات افغانستان تاکنون در مورد این گزارش اظهار نظر نکرده است.

آنان نباید خود را عقل کل تصور کنند و از تجربه ها و تلاش هایی که در گذشته به خاطر آوردن صلح وجود داشته، استفاده و نگریده شود که چه خواست ها و پیشنهادهای داشتند که به نتیجه نرسید. در این حال، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی افغانستان می گوید: در افغانستان سیاست مداران از سیاست یک گنده گی و لجن زار ساخته اند که در آن هر نوع تعفن و بوی بد را می توان استشمام کرد. آقای رفیعی می افزاید: «چگونه می شود به کسانی که با خون ملت بازی کردند و به تاریخ بشر خیانت کردند، از آنان معذرت بخواهیم؟ به خدا کفر است اگر کسی بگوید که ما باید از گروه طالبان معذرت خواهی کنیم؛ طالبان هیچ گونه ترحمی به مردم و داشته های مادی و معنوی افغانستان نکرده اند.»

رییس مجما با توجه به تلاش های فردی رییس جمهور برای گفت و گو با طالبان خاطر نشان می کند که سیاست های فردی در افغانستان هیچ زمانی به نتیجه نرسیده، اگر همین گونه دوام یابد مصیبت هایی را در این کشور شاهد خواهیم بود که از تصور و پیش بینی ها به دور است. هم چنان، عتیق الله امرخیل یکی از آگاهان نظامی می گوید: شکنجه در افغانستان در طول سال های گذشته رواج داشته و امکان دارد کسی که متهم بوده در زندان های افغانستان با او بد رفتاری شده باشد. این آگاه نظامی می گوید که اگر به اثبات برسد که غیر قانونی و شرعی با آنان برخورد شده باشد، باید معذرت خواهی شود که هیچ تاوانی برای مردم ندارد. آقای امرخیل می گوید که دولت افغانستان پای پیمان های حقوق بشری امضا کرده و باید آن را رعایت کند. رییس جمهور غنی همانند سلفش پس از گرفتن قدرت مواضع نرمی را در برابر طالبان اختیار کرده است. او حتا پای را فراتر نهاده و باری طالبان را مخالفان سیاسی خواند. این گفته او با انتقاد تند مقامات پیشین حکومت مواجه شد.

نخواهند خواست. آقای منصور تأکید می کند: «مردم افغانستان گروه طالبان را در خور محاکمه می دانند، اگر در میان طالبان افراد با وجدانی وجود داشته باشد که سلاح خود را به زمین گذاشته و از مردم افغانستان که به وسیله آنان شکنجه دیده اند و خواهران و مادرانی که از ظلم آن ها به دفتر رفته نتوانستند و محروم از آموزش ماندند و بالای هزاران شهروند ظلم کردند و این گروه حتا باید از درختان شمالی نیز معذرت بخواهند.»

این عضو مجلس با اشاره به تلاش های اخیر رییس جمهور غنی به خاطر صلح با گروه طالبان می گوید: رییس جمهور ادامه راه حامد کرزی را طی می کند و من یقین دارم که به زودی عطش غنی فروکش می کند و به جایی خواهد رسید که حامد کرزی در روزهای اخیر به آن رسیده بود.

این عضو مجلس تصریح می کند که رییس جمهور پیشین در روزهای نخست بدون حساب و کتاب نه تنها طالبان اسیر بلکه پاکستانی های مجرم را به خاطر جلب رضایت پاکستان از زندان های کشور رها کرد و آنان را پیوسته برادر خواند و برای ابراز هم دردی حملات شبانه را بالای آنان قطع کرد و حتا محدودیت هایی برای استفاده از سلاح ثقیله در جنگ در برابر طالبان وضع و به نام های مختلف جنگ جویان طالب را از زندان ها رها کرد؛ اما در فرجام به این نتیجه رسید که مداخله همچنان از طرف پاکستان ادامه دارد و امنیت افغانستان از طرف طالبان برهم زده شده و سال های درازی ست که از طرف این گروه بالای مردم ظلم می شود.

این عضو مجلس خطاب به رهبران دولت وحدت ملی می گوید که داکتر عبدالله و غنی صلح و ضرورت صلح را با دیپلماسی و روشی بی که برای تأمین صلح به کار می رود، مغالطه نکنند، زیرا مردم صلح را یک بحث ملی می دانند و آرزو دارند که صلح در کشور تأمین شود.

آقای منصور با بیان این که نباید راه رفته را دوباره طی کرد، به رهبران دولت وحدت ملی پیشنهاد می کند که

گروه طالبان به مردم، تاریخ و سرزمین افغانستان ظلم کرده اند و هیچ گاهی مورد بخشش قربانیان و خانواده های شهدا و معلولان قرار نخواهند گرفت. شماری از اعضای مجلس و آگاهان سیاسی با بیان این مطلب می گویند که مردم افغانستان گروه طالبان را به عنوان آله دست پاکستان و گروه جنایت کار، قاتل مردم و رهبران و فرماندهان جهادی می شناسند و به هیچ وجه معذرت خواهی از این گروه را نمی پذیرند. آنان می گویند که طالبان باید مورد محاکمه قرار بگیرند؛ نه این که از آنها معذرت خواسته شود. در سفری که رییس جمهور و رییس اجرایی دولت به امریکا داشتند، آقای غنی به تفصیل از صلح با گروه طالبان سخن زد.

او در این سفر اظهار داشت که برخی از اعضای طالبان، شکایت های مشروعی از شکنجه و بی عدالتی داشته که باید از آنان معذرت خواسته شود. عبدالحفیظ منصور عضو مجلس نماینده گان به روزنامه ماندگار می گوید که اشرف غنی به صورت کلی بحث این که بالای طالبان ظلم شده و باید از آنان معذرت خواهی شود را مطرح کرده و روشن نساخته است که با این گفته چه منظور داشته است.

آقای منصور می گوید: «اگر منظور رییس جمهور این باشد که شماری از طالبان دستگیر شده در زندان مورد شکنجه قرار گرفتند و باید از آنان معذرت خواسته شود؛ اگر چنین باشد هم در شرع و هم در قانون، شکنجه کردن متهم ممنوع است.»

این عضو مجلس تصریح می کند: اگر منظور آقای غنی، این است که در مجموع همه طالبان مورد ظلم قرار گرفته اند و اشرف غنی به عنوان رییس جمهور افغانستان از گروه طالبان معذرت خواهی می کند و در واقع اهداف طالبان را می پذیرد، موردی ست که به شخص رییس جمهور ارتباط دارد و از هر طریقی می تواند این هم نوبی را نشان دهد؛ اما حساب مردم افغانستان جداس است. مردم طالبان را به عنوان آله دست پاکستان و گروه جنایت کاران، قاتل مردم و رهبران مردمی می شناسند و به هیچ صورت از آنها معذرت

فرمانده پولیس کابل بر کنار...

و سوء استفاده از مقام و موقف شان به دادستانی معرفی شوند. این آگاه نظامی اضافه کرد: شاه دو شمشیره در قلب شهر کابل موقعیت دارد و چهار اطراف آن با پوسته های امنیتی مختلف احاطه شده؛ پس این غفلت قابل بخشش نیست و پولیس و فرمانده کابل هر دو شریک جرم پنداشته می شود. کوهستانی گفت: امر حوزه اول و دوم پولیس نیز قابل مجازات اند، چرا که فاصله میان این دو حوزه و شاه دو شمشیره نهایت کم است. به گفته او، فاصله از شاه دو شمشیره تا جاده آسمایی که یک پوسته امنیتی در آن جا حضور دارد، نهایتاً ۲۵۰ متر و از قوماندانی امنیه کابل تا جاده آسمایی ۱۰۰ متر است؛ در مجموع فاصله میان قوماندانی امنیه کابل تا محل حادثه ۳۵۰ متر است. وی تأکید کرد: قوماندانی امنیه کابل، قطعه واکنش،

قطعه منتظره و لوی کمر بندها را دارد؛ اما حتا یک پولیس از این قطعات برای نجات این دختر فرستاده نشده؛ بنابراین به طور قطعی پولیس آگاهانه غفلت کرده و در قتل فرخنده شریک است.

او گفت: مردم برای شریک شدن در این جنایت، از جاده و خیابان دور دست به شاه دو شمشیره رسیدند؛ اما پولیس و قوماندانی امنیه کابل، هیچ اقدامی نکرد، در حالی که مخابره های پولیس به طور ۲۴ ساعت فعال است و نوکریوال هم دارند.

کوهستانی با انتقاد شدید از قوماندانی امنیه کابل گفت: قوماندانی امنیه پس از حادثه به خانواده فرخنده اخطار می دهد که خانه تان را تخلیه کنید، چرا که مردم به خانه شما یورش می آورند و ما توان تامین امنیت شما را نداریم، این گفته ها نهایت جهالت و عدم آگاهی پولیس را از وظیفه شان نشان می دهد.

کوهستانی با انتقاد از گفته های مولوی ایاز نیازی امام مسجد وزیر اکبرخان می گوید: مولو هایی مانند



ژاوی با قرارداد نجومی

به السد قطر پیوست

هافبک باتجربه بارسلونا از فصل آینده در السد قطر بازی خواهد کرد. او برای هر فصل بازی در این تیم ۱۰ میلیون یورو به جیب خواهد زد.

ژاوی یک از برترین هافبک های تاریخ فوتبال اسپانیا که به افتخارات زیادی در دنیای فوتبال دست یافته است، با تیم السد قطر به توافق رسیده است و قرار است از فصل آینده برای این تیم در لیگ ستارگان قطر توپ بزند.

قرارداد پیشنهادی به ژاوی، سه ساله است و سالی ۱۰ میلیون یورو حقوق او در این باشگاه خواهد بود. این بازیکن در حال حاضر در قطر به سر می برد و قرار است مذاکرات نهایی خود را با مسئولان تیم قطری انجام دهد. ژاوی پیشنهادات دیگری از شمال آمریکا هم داشت اما در نهایت از سوی السد پیشنهادی دریافت کرد که نمی توانست آن را رد کند. او ۳۰ میلیون یورو به اضافه ۱۰ میلیون یورو دیگر در صورتی که برای سال چهارم هم بماند دریافت خواهد کرد.

در طول دوران حضور در قطر، ژاوی برنامه دارد تا برای مدرک مربیگری خود تلاش کند. او این شانس را خواهد داشت که برای پیشبرد حرفه مربیگری در



آکادمی باشگاه با ایوان براوو همکاری کند.

بازیکن تیم ملی اسپانیا و بارسلونا که به تازگی از بازی های ملی خداحافظی کرده است در تیم ملی دوران بسیار موفقی داشت و موفق شد به همراه اسپانیا دو بار قهرمان اروپا و یک بار نیز قهرمان جهان شود اما با وجود سپری کردن ۱۶ سال در بالاترین سطح فوتبال جهان به همراه بارسا، ژاوی بازی نکردن کنار پل اسکولز را نقطه تاریکی در کارنامه ورزشی خود می بیند.

ژاوی در صحبتی کوتاه در مورد خداحافظی خود از بازی های ملی نیز گفت: من باید پس از یورو ۲۰۱۲ خود را بازنشسته می کردم، اما گذشته، گذشته است و فکر می کنم کاش این کار را کرده بودم. مسلماً جام جهانی برزیل برای ما بسیار نا امید کننده بود، ولی همیشه به اینکه بازیکن اسپانیا بودم افتخار کرده ام. ما مثل یک تیم به هم نزدیک بودیم حتی زمانی که شرایط خوب پیش نمی رفت.

چنانچه شرایط خاصی ایجاد نشود، به نظر می رسد این بازیکن در پایان فصل خبر ترک بارسلونا را به صورت رسمی اعلام کند، اما در حال حاضر به دلیل نقش کلیدی کاپیتان با تجربه آبی اناری ها در تیم و نیز حفظ روند خوب بارسلونا در دیدار های حساس ادامه فصل در لالیگا، لیگ قهرمانان و فینال کوپا دل ری، تأیید این خبر از طرف ژاوی تا قبل از تابستان غیر محتمل به نظر می رسد.

تیم افغانستان در تهران میزبان می شود!

۶۰ هزار تن به تشویق تیم ملی به ورزشگاه آزادی می روند



ماندگار

تماشای بازی های شان بیاید. امین می گوید: «خودمان شوکه شدیم. قبل از بازی اعضای شورای مهاجرین گفته بودند تنهای مان نمی گذارند اما باور نداشتیم برای هر بازی مان این همه جمعیت بیاید. پرچم های افغانستان را از هر گروه و نژادی که هستند در دست گرفتند و با تمام وجود تیم شان را تشویق می کنند. ما از همه نژادها در تیم مان بازیکن داریم و این استقبال باعث شده تا انگار انرژی بازیکنان مان آزاد شود.»

به گزارش بی باک، حسین صالح مربی تیم ۲۳ افغانستان در فوتبال پایه ایران مردی شناخته شده است. چند ماه قبل بود که صالح به افغانستان آمد. خودش می گوید: «پیشنهاد جالبی بود. رفتم به افغانستان. آنجا معدن استعداد است. امنیت و امکاناتش شاید کم باشد اما پر از استعدادهایی است که دنبال توپ در زمین های خاکی می دوند. شاید مثل دهه ۶۰ ایران باشد. یک



رییس فدراسیون عاشق دارند که در ۱۳ سال کار توانسته از صفر تا اینجا بیاوردشان. هم فوتبال بانوان شان راه افتاده، هم پروژه گل راه انداختند و هم دو استادیوم ساختند. آنها مثل ما نمی توانند لیگ سراسری برگزار کنند چون امکان تامین امنیت نیست اما لیگ مجتمعی با ۸ تیم لیگ برتری دارند که سالی دو ماه در کابل انجام می شود.»

صالح سپس درباره تیمش حرف می زند: «به من گفتند می خواهند این تیم را به تهران بیاورند. ما این بچه ها را از دل لیگ انتخاب کردیم و بدون بازی دوستانه رسمی به ایران آمدیم. بازی با فلسطین اولین بازی رسمی این تیم بود. شاید اگر ۴ تا بازی قبل از این داشتیم به آنها نمی باختیم. ولی هنوز هم دیر نیست. برای بازی با ایران قرار نیست بترسیم. با تمام توان بازی می کنیم.»

صالح می گوید برای بازی با ایران سورپرایزی ویژه دارند: «قبل از آمدن به تهران، دو نفر از اعضای شورای مهاجرین افغان به دیدن آمدند و برنامه بازی ها را گرفتند. در بازی با عربستان ما ۱۵ هزار هوادار داشتیم، آنها گفتند برای بازی با ایران ۶۰ هزار نفر به استادیوم می آیند که یک رکورد در تاریخ این کشور است. آنها خودشان استادیومی ۷ هزار نفری دارند که فقط یکبار در بازی با پاکستان پر شده. در همان بازی معروف که بردند و برایش ۲ شب جشن گرفتند. این بازی در تهران برای جمعیتی که همه عشق شان تشویق تیم کشورشان است، اهمیت بالایی دارد. آنها می آیند و فقط هم تیم خودشان را تشویق می کنند. برد و باخت هم برای شان مهم نیست اما اگر زیاد بیایند شرایط ویژه ای به این بازی می دهند!»

لایه های مدیریتی فدراسیون فوتبال است. به گفته این سایت ورزشی، حالا تیم ملی امید ایران در شرایطی حساس به مصاف افغانستان می رود. یکی از آن تیم هایی که امتیاز از دست دادن برابر فاجعه است و حتی می تواند رویای المپیک مان را حسرتی ۴۴ ساله کند. تیم ملی امید ایران اگرچه در دو بازی قبلی خود ۸ گل زده و با ۶ امتیاز در صدر جدول است اما چند ایراد اساسی دارد.

سایت نود نوشته است که ناکامی تیم امید ایران در برابر افغانستان، یعنی فاجعه برای فوتبال ایران. یعنی آغاز جنگی ویرانگر در فوتبال و البته یعنی سوختن یک نسل طلایی دیگر از فوتبال ایران.

این رسانه ورزشی در پایان گفته است که شاید کمک تلویزیون و حضور همه آنهایی که فوتبال را دوست دارند در ورزشگاه، فقط برای بازی با افغانستان کمک کند تا تیم ملی ایران تنها نماند.

یکی دیگر از سایت های ایرانی نوشته است که قرار است امروز ۶۰ هزار افغانی به ورزشگاه آزادی برای تشویق تیم شان بیایند.

سایت بی باک در باره تشویق تماشاگران افغانی از تیم ملی کشور نگاشته است:

ورزشگاه دستگردی (ورزشگاهی که بازی افغانستان و عربستان در آن برگزار شد) شاید از روز تاسیسش تا به حال حتی یک بازی را هم به خود ندیده بود که سکوهاش پر از تماشاگر باشند. این ورزشگاه اما عصر جمعه جای سوزن انداختن نداشت که هیچ، ۳ هزار نفری را هم در خیابان های اکباتان سرگردان کرده بود. اگر از اهالی اکباتان می پرسیدی، نمی دانستند چرا و اصلاً باورشان نمی شد که این صف جمعیتی برای بازی تیم امیدهای افغانستان و عربستان ایجاد شده است. جمعیتی که آمدند و شادمانه با غروری ملی به خانه های شان رفتند. به میمنت تساوی برابر عربستان که شاید مهمترین نتیجه تاریخ ملی افغانستان است. این ها این بار پاکستان را نبرده بودند که برایش ۳ روز جشن بگیرند. آنها عربستان، یکی از قدرت های بزرگ فوتبال آسیا را متوقف کرده بودند.

امین مربی گلرهای افغانستان به سایت بی باک گفته است: «این تیم را حسین صالح، مربی ایرانی مان در ۴ ماه جمع کرده است. اگر کمی بیشتر زمان داشتیم و بهتر تمرین کرده بودیم، چند بازی دوستانه را جاشنی کارمان کرده بودیم حالا فلسطین را هم برده بودیم و برای صعود می جنگیدیم. اگرچه هنوز هم ناامید نیستیم. می خواهیم با ایران از این مرحله صعود کنیم.» او خودش هم باور نداشته که این همه هوادار به



استالین و مهم‌تر از همه، محاکمه آیشمن در پایان جنگ، شواهدی بر این مدعای آرنت بودند. تمامی این‌ها موجب نوع خاصی از شر در روزگار مدرن شده‌اند که آرنت به دلیل بنیان خالی از تعقل و تفکر، آن را «ابتدال به شر» می‌خواند. وی با مشاهدات خود از محاکمه آیشمن و طرح مسأله ابتدال به شر، به مفهوم شر انسانی و رابطه آن با قدرت تفکر و تعقل در انسان پرداخته است و به نوعی، شر انسانی را حاصل فقدان قدرت تعقل در انسان می‌داند.

آرنت در طراحی جمعی در بررسی شر، به سه محور مهم اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: «ویژه‌گی‌های نظام توتالیتر»، «نازیسم» و «استالینسم». او معتقد بود که حکومت‌های توتالیتر با از خود بیگانه کردن توده‌های مردم، همسان‌سازی و وابسته‌گی آن‌ها به نوعی ایدئولوژی، دست به بهره‌کشی و سرکوب آن‌ها می‌زند. از نظر او، نظام‌های توتالیتر از افراد انسانی ماشینی درهم‌کوبنده و خالی از تعقل می‌سازد و به نوعی شر مطلق در سلطه مطلق انسان بر انسان نمود می‌یابد.

آرنت برای مواجهه با چنین چالشی، با تأثیر از تفکرات مارتین بوبر، اندیشه «دو تن در یک تن» یعنی رو در رویی انسان با خویشتن خود یا «وجدان» را مطرح می‌سازد. کلید جلوگیری از بروز شر در دیدگاه وی، درگیر شدن پیوسته عمل انسانی و وجدان است، به گونه‌ی که بر اثر این درگیری، جلوه‌ی از خودشناسی پدیدار می‌شود تا مانع از بروز شر شود.

بر همین اساس و با توجه به زمینه ایجاد شر (فقدان تعقل) نتیجه می‌گیرد که بزرگ‌ترین شرها از کسانی سر نمی‌زند که به ناچار باید با وجدان خویش روبه‌رو شوند؛ بلکه بزرگ‌ترین اشرار آنانی هستند که اساساً به یاد نمی‌آورند، زیرا هرگز به اعمال خود فکر نمی‌کنند. شاید آنچه که به عنوان مثال ذکر شد، زیاد با اتفاق مرکز شهر کابل هم‌خوانی نداشته باشد؛ ولی نشان می‌دهد که زمینه‌های بروز چنین اتفاق‌هایی در جامعه وجود دارند و تا زمانی که این بسترها مورد توجه قرار نگیرند و یا بازسازی نشوند، شر هم‌چنان می‌تواند در چهره‌های متفاوت ظهور کند. افغانستان هم استبدادی و توتالیتری زیسته و این موضوع می‌تواند روان‌ها را در گیر ابتدال شر سازد.

و اما موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که از این حادثه نباید استفاده ابزاری و گاه ضد ارزشی شود. نباید تر و خشک را به پای هم سوختاند و مسأله را به حوزه‌های دیگر تعمیم داد. من حالا پس از چند روز که از این واقعه گذشته، می‌بینم که هنوز جامعه دست‌خوش احساسات است. باید از این مرحله عبور کرد و واقعه مرکز شهر کابل را به گونه عقلانی مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. بدون آن‌که دچار افراط و تفریط شویم و به کسی و یا کسانی از هر آدرسی که هست، فحاشی و هتاک کنیم!



نشان نداد، هیچ‌کس به داد کتی نرسید، هیچ‌کس حتا به پولیس زنگ نزد و آن را در جریان حادثه‌ی که پیش چشم‌شان اتفاق می‌افتاد، قرار نداد. کتی سرانجام بر اثر لت‌وکوب مردم مهاجم در برابر چشم هم‌محلّه‌ی‌هایش جان داد.

این قتل سپس واکنش‌های زیادی را برانگیخت. مردم زیادی به خیابان‌ها بیرون شدند و تحقیقات گسترده در مورد آن انجام شد. این حادثه را دو روان‌شناس امریکایی نیز مورد بررسی‌های روان‌شناسانه قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بی‌تفاوتی مردم نسبت به این واقعه، به تصمیم‌هایی برمی‌گردد که آن‌ها در آن لحظه پیش خود گرفته بودند. مثلاً عده‌ی می‌گفتند که بگذارید کس دیگری به کمک کتی برود. برخی دیگر فکر می‌کردند که با رفتن به خیابان و کمک به کتی، ممکن است آن‌ها نیز مورد لت‌وکوب قرار گیرند. این موارد سبب شدند که کتی جان خود را از دست بدهد. به مورد دیگری می‌خواهم اشاره کنم. زمانی که دادگاه آدولف آیشمن در اسرائیل به عنوان یکی از مخوف‌ترین چهره‌های نازی که سبب کشتار هزاران انسان بی‌گناه شده بود، برگزار می‌شد، هانا آرنت اندیشمند برجسته سیاسی نیز در این محاکمه شرکت کرد و پس از آن کتابی در مورد شر به نام «ابتدال به شر» نشر کرد. آرنت آنچه را که آیشمن انجام داده بود، «شر بدون تفکر» توصیف کرد. آرنت معتقد بود مردم در روزگار مدرن معنای زنده‌گی را از دست داده‌اند و به بن‌بست پوچی یا معنای کاذب زنده‌گی رسیده‌اند یا به بیان بهتر، از خود بیگانه شده‌اند.

تجربه دو جنگ جهانی با گستره دهشت‌بار ویرانی‌ها، اردوگاه‌های مرگ، اردوگاه‌های کار اجباری در دوران

و ارزیابی شود. جامعه برای این‌که از وضعیت واکنشی و احساسی بیرون شود، نیاز به زمان دارد. در این‌که فاجعه‌ی هولناک در مرکز شهر کابل رخ داد، هیچ جای شک و گمان وجود ندارد. این حادثه به هیچ‌صورت و از هیچ‌منظری قابل توجیه نیست. خشونت، خشونت است و دفاع از آن‌هم نوعی خشونت باید پنداشته شود؛ اما نکته مهم این‌جاست که پس از مرحله احساسی، جامعه باید وارد مرحله تعقلی و خردورانه شود و با ریشه‌ها و اصل واقعه به گونه عقلایی برخورد کند تا جامعه باز دچار چنین رویداد تلخ و جان‌فرسایی نشود. تکرار یک حادثه به معنای این است که جامعه نتوانسته از مرحله احساسی بیرون شود و به گونه عقلانی مسأله را تجزیه و تحلیل کند. اگر جامعه همواره در مرحله عقلانی قرار داشته باشد که چنین چیزی بعید هم به نظر می‌رسد، باز دیگر نمی‌تواند مسایل را در سطح احساسی و عاطفی مورد شناسایی قرار دهد. احساس و عقل زمانی که در کنار هم قرار گیرند، می‌توانند جامعه را وارد فاز آرامش و بردباری کنند. جهان مدرن با چنین رویکردی به مرحله فعلی دست یافته است. به گونه مثال در سال ۱۹۶۲ در نیویارک امریکا واقعه‌ی شبیه به آنچه که در مرکز شهر کابل رخ داد، اتفاق افتاد. دختری به نام کتی جونز در نیمه‌شب وقتی می‌خواست به منزلش در یک محله نیورک برود، در حوال‌وحوش محل سکونتش مورد تهاجم یک مرد قرار گرفت. کتی فرار کرد و کمک خواست. صدای او را بسیاری‌ها در آن نیمه‌شب شنیدند. بر اساس یافته‌های پولیس، در آن شب ۳۸ پنجره در آن محله باز شدند و کتی را دیدند که از سوی یک مرد خشمگین مورد ضرب‌وشتم قرار می‌گیرد. اما هیچ‌کس حرکتی از خود

احساس را با عقلانیت در آمیزیم

احمد عمران

قتل فجیع فرخنده به بحث داغ جامعه تبدیل شده است. این قتل باعث شد که وجدان‌های خوابیده بسیاری در کشور بیدار شود و متوجه شوند که فاجعه همواره می‌تواند در یک‌قدمی آن‌ها اتفاق بیفتد. راه‌پیمایی‌های زیادی در تقییح این جنایت هولناک انجام شد. موضع‌گیری‌های مختلفی به‌ویژه در فضای مجازی صورت گرفت. برخی‌ها به دلیل موضع‌گیری‌های خود مورد شماتت قرار گرفتند. برخی دیگر به دلیل موضع‌گیری‌های خود تحسین و تمجید شدند.

فضا به هر حال فضای عاطفی و احساسی بود. و چنین هم باید می‌بود. پس از یک رویداد خشن کمتر کسی حاضر می‌شود که بیاید و به‌صورت عقلانی وضعیت را ارزیابی کند. جامعه در چنین لحظاتی دچار بهت‌زده‌گی و شگفت‌زده‌گی می‌شود و این طبیعی است. انتظاری فراتر از این نمی‌توان از جامعه داشت. جامعه وقتی با یک مسأله فوق‌العاده روبه‌رو می‌شود، در همان ساعات اولیه واکنش نشان می‌دهد که عمدتاً برخاسته از احساسات است. مگر می‌توان انتظار داشت که در برابر جنایتی به آن هولناکی، جامعه بیاید و شروع به بحث و گفت‌وگو کند؟!

انسان‌ها حدود و امکاناتی دارند که نمی‌توانند فراتر از آن عمل کنند. وقتی چند روزی از یک واقعه می‌گذرد، آنگاه پای عقل و استدلال به میان می‌آید و تلاش می‌شود که ابعاد یک حادثه از زوایای گوناگون تحلیل

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز / 20% تخفیف	برای 180 روز % 40 تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$60	\$48	\$36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$250	\$200	\$150
3	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$70	\$56	\$42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$350	\$280	\$210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$100	\$80	\$60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$250	\$200	\$150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200